



وجوه اختلاف و اشتراک گروه‌ها و احزاب عراقی در قبال ایران

علی شیاری^۱، ابراهیم عبدالحق عبدالستار^۲

چکیده:

روابط ایران و عراق به دلیل همسایگی جغرافیایی، اشتراکات تاریخی و فرهنگی و اهمیت امنیتی و سیاسی، یکی از پیچیده‌ترین روابط دوجانبه در خاورمیانه به شمار می‌آید. پژوهش حاضر با تحلیل جریان‌های شیعی، سنی و کردی فعال در عراق، ائتلاف‌های سیاسی و رقابت‌های داخلی آنها، نقش ملاحظات مذهبی، ایدئولوژیک، قومیتی و اقتصادی را در شکل‌دهی به رفتار سیاست خارجی عراق مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های شیعی، از جمله ائتلاف فتح، دولت قانون و جریان‌های حشدالشعبی، بیشترین اشتراک مذهبی، امنیتی و تاریخی با ایران را دارند و نقش کلیدی در همگرایی سیاسی و فرصت‌سازی منطقه‌ای ایفا می‌کنند. در مقابل، گروه‌های سنی و کردی با وجود اشتراک‌هایی مانند مقابله با تروریسم و همکاری اقتصادی، نسبت به نفوذ ایران محتاط بوده و تعاملات خاصی با کشورهای عربی، ترکیه و آمریکا دارند، که موجب پیچیدگی سیاست خارجی عراق می‌شود. تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که ائتلاف‌ها و تضادهای داخلی، هم فرصت‌های همکاری و هم محدودیت‌های سیاست خارجی را ایجاد می‌کنند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که شناخت دقیق ترکیب سیاسی، ائتلاف‌ها و تضادهای داخلی عراق برای ایران ضروری است و می‌تواند در مدیریت امنیت مرزی، کاهش تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌های منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا کند.

واژگان اصلی: ایران، عراق، گروه‌های سیاسی، احزاب شیعی، احزاب سنی، احزاب کردی

۱. استادیار گروه آموزشی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

alishiyari@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۱. مقدمه

عمیق‌ترین و راهبردی‌ترین پژوهش‌ها در حوزه سیاست خارجی، به دلیل پیوند مستقیم با امنیت ملی و ظرفیت‌سازی برای فرصت‌آفرینی در محیط پیرامونی، ناگزیر باید بر روابط با کشورهای همسایه متمرکز باشند. در این میان، کشور عراق در میان همسایگان جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ممتاز و در عین حال پیچیده دارد. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، مذهبی و قومی عراق به‌گونه‌ای است که ساختار قدرت و فرآیند سیاست‌گذاری در این کشور و متعاقب آن نوع روابطش با همسایگان، به‌ویژه ایران، همواره با پیچیدگی‌ها و نوسانات معناداری همراه بوده است. عراق در همسایگی غربی ایران، با حدود ۱۳۳۲ کیلومتر مرز مشترک، بیشترین پیوستگی جغرافیایی و یکی از بالاترین سطوح اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی را با ایران داراست. با این حال، روابط دو کشور در طول تاریخ معاصر عمدتاً پرتنش و مبتنی بر نگاه امنیتی بوده است. تعاملات ایران و عراق بازتاب‌دهنده لایه‌های متعددی از رقابت، بی‌اعتمادی و تعارض منافع است؛ به‌گونه‌ای که به استثنای دوره کوتاه حکومت پادشاهی در عراق، روابط دوجانبه غالباً در وضعیت بحران یا تنش قرار داشته است. این وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تشدید شد و نهایتاً به جنگی فراگیر و فرسایشی انجامید که تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این دوره، دو کشور از ابزارهای متنوعی برای تضعیف یکدیگر بهره گرفتند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، حمایت از گروه‌ها و جریان‌های معارض در داخل کشور مقابل بود.

با سقوط رژیم بعث و تحولات بنیادین پس از سال ۲۰۰۳، عراق وارد مرحله‌ای جدید از بازتعریف ساختار قدرت و هویت سیاسی خود شد. در این دوره، با ورود بازیگران جدید به عرصه سیاست عراق و افزایش نقش شیعیان و کردها در ساخت قدرت، اهمیت عراق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ابعاد تازه‌ای یافت. به تدریج، الگوی تعامل ایران و عراق از «تخاصم و تهدیدمحوری» به سمت «رقابت، همکاری و فرصت‌سازی» سوق پیدا کرد. برای نخستین بار، حضور اکثریت شیعه در رأس قدرت سیاسی عراق و ترمیم روابط میان دولت جدید بغداد و جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌ساز تغییراتی معنادار در ژئوپلیتیک منطقه و رویکرد بازیگران خاورمیانه‌ای شد.

در چنین فضایی، تحولات داخلی عراق، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، بر محیط سیاسی-امنیتی ایران اثرگذار است. شناخت دقیق ساختار قدرت، احزاب و جریان‌های فرهنگی-سیاسی حاکم بر عراق، به‌ویژه پس از اشغال این کشور توسط آمریکا، از اهمیتی مضاعف

برخوردار است؛ زیرا متغیرهایی نظیر تقویت نقش شیعیان و کردها، تغییر موازنه‌های قومی-مذهبی، افزایش مطالبات استقلال‌طلبانه کردها و نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تأثیر مستقیمی بر منافع ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند.

بر این اساس، هدف اصلی این مقاله بررسی و تحلیل مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌ها و احزاب فرهنگی-سیاسی عراق و تبیین وجوه اشتراک و اختلاف رویکردهای آنان در قبال جمهوری اسلامی ایران است. عراق کشوری است که در طول تاریخ معاصر همواره با تنوع قومی و مذهبی گسترده‌ای مواجه بوده و غالباً شاهد غلبه یک گروه قومی یا مذهبی بر ساخت قدرت بوده است. این گروه‌ها و احزاب، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به سیاست داخلی و خارجی عراق، به‌ویژه در رابطه با ایران، ایفا کرده‌اند. تغییر رویکرد از «عربی-سنی» به «عربی-شیعی» - کردی» در فضای سیاسی عراق، فرصت‌ها و در عین حال چالش‌های جدیدی را پیش‌روی سیاست خارجی ایران قرار داده است.

سؤال اصلی پژوهش آن است که گروه‌ها و احزاب فرهنگی-سیاسی مؤثر در صحنه سیاسی کنونی عراق کدام‌اند و هر یک چه رویکردی نسبت به ایران اتخاذ کرده‌اند؟ همچنین، وجوه اشتراک و اختلاف این جریان‌ها در قبال ایران چیست و کدامیک بیشترین تأثیر را بر همسوسازی یا واگرایی سیاست‌های منطقه‌ای و خارجی عراق با جمهوری اسلامی ایران دارند؟ فرض مقاله بر این است که احزاب و جریان‌های شیعی و کردی، به دلیل وزن سیاسی و نهادی خود، بیشترین نقش را در شکل‌دهی به روابط ایران و عراق ایفا می‌کنند و ائتلاف یا تقابل این دو جریان، در کنار متغیرهایی چون تهدید داعش و مداخله بازیگران عرب سنی، می‌تواند مسیر آینده روابط دو کشور را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار دهد.

۲. مفهوم و چارچوب نظری

تحلیل روابط ایران و عراق و بررسی وجوه اشتراک و اختلاف گروه‌ها و احزاب سیاسی این کشور، بدون بهره‌گیری از یک چارچوب نظری منسجم، امکان‌پذیر نیست. چارچوب نظری در مطالعات علوم سیاسی، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل رفتار بازیگران داخلی و خارجی دارد و می‌تواند تبیین کند که چگونه ساختارهای سیاسی و هویتی در یک کشور همسایه، بر تصمیمات سیاست خارجی کشور دیگر اثر می‌گذارند. از این منظر،

نظریه‌های کلاسیک و معاصر علوم سیاسی مانند واقع‌گرایی، سازه‌انگاری و نظریه وابستگی متقابل پیچیده می‌توانند ابزار تحلیلی مناسبی برای فهم تعاملات ایران و عراق باشند. در واقع، این نظریه‌ها علاوه بر تحلیل روابط میان کشورها، توانایی تحلیل رفتار احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی را نیز دارند و می‌توانند مشخص کنند که چه عواملی موجب همسویی یا تعارض رویکردهای آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایران می‌شود. به‌طور مثال، نظریه واقع‌گرایی بر ضرورت درک منافع ملی و امنیتی بازیگران سیاسی تأکید دارد و نشان می‌دهد که اختلافات میان گروه‌ها و احزاب عراق تا چه حد تحت تأثیر منافع استراتژیک و حفظ قدرت قرار دارد (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۰). بدون چارچوب نظری دقیق، تحلیل رفتار گروه‌های سیاسی در عراق به ساده‌انگاری و برداشت‌های سطحی محدود خواهد شد و وجوه پیچیده همگرایی و واگرایی در روابط با ایران نادیده گرفته می‌شود.

رویکرد واقع‌گرایی و سیاست ملی-امنیتی، واقع‌گرایی یکی از نظریه‌های بنیادین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که بر منافع ملی، امنیت و حفظ قدرت به عنوان محور رفتار بازیگران تأکید دارد. در چارچوب این نظریه، احزاب و گروه‌های سیاسی عراق نه صرفاً بر اساس ایدئولوژی یا گرایش‌های مذهبی عمل می‌کنند، بلکه در راستای تأمین منافع امنیتی و سیاسی خود و کشورشان تصمیم می‌گیرند. در تحلیل روابط عراق و ایران، واقع‌گرایی نشان می‌دهد که حتی گروه‌هایی که از لحاظ مذهبی و تاریخی نزدیکی دارند، ممکن است به دلیل محاسبات قدرت یا ترس از کاهش نفوذ، موضعی متفاوت اتخاذ کنند. برای مثال، جریان‌های شیعی در عراق گرچه اشتراکات مذهبی و فرهنگی با ایران دارند، اما جهت حفظ مشروعیت داخلی و رقابت درون‌شیعی، ممکن است برخی مواضع متفاوت در قبال ایران اتخاذ کنند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۳). این رویکرد نشان می‌دهد که اختلافات و اشتراکات احزاب عراقی در قبال ایران تنها نتیجه هویت مذهبی نیست، بلکه متأثر از ارزیابی‌های امنیتی و موازنه قدرت داخلی و منطقه‌ای است. واقع‌گرایی همچنین توضیح می‌دهد که چگونه سیاست خارجی عراق در دوره پس از ۲۰۰۳، با افزایش نقش شیعیان و کردها در ساخت قدرت، تحت تأثیر محاسبات استراتژیک داخلی و منطقه‌ای قرار گرفته است (بهمنی، ۱۳۸۷: ۱۵).

نظریه سازه‌انگاری بر اهمیت هویت، گفتمان و تعاملات اجتماعی در شکل‌دهی به سیاست خارجی و رفتار احزاب تأکید دارد. از این منظر، رفتار گروه‌ها و احزاب عراق نسبت به ایران نه

تنها متأثر از ملاحظات امنیتی و قدرت، بلکه تحت تأثیر هویت مذهبی، قومی و تاریخی آنها است. برای مثال، گروه‌های شیعی عراق، علاوه بر اشتراکات مذهبی با ایران، تجربیات تاریخی مشترک و خاطرات جمعی مرتبط با جنگ و سرکوب قومی را نیز با خود حمل می‌کنند که بر روابط دو کشور اثرگذار است (الخلیل، ۱۳۷۰: ۴۵). همچنین، جریان‌های کردی و سنی، به دلیل هویت قومی و نگرانی از حاکمیت و استقلال خود، ممکن است مواضعی متفاوت اتخاذ کنند. سازه‌نگاری کمک می‌کند تا فهم کنیم چگونه گفتمان‌ها و هویت‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی، نقطه اشتراک یا اختلاف میان گروه‌ها و احزاب عراق در قبال ایران را شکل می‌دهند و چرا برخی جریان‌ها با ایران همسو می‌شوند در حالی که برخی دیگر موضع انتقادی یا محتاطانه دارند (العبادی و لاضی السعدون، ۱۳۹۰: ۱۰).

نظریه وابستگی متقابل پیچیده، بر اهمیت روابط اقتصادی و شبکه‌های همکاری میان بازیگران داخلی و خارجی تأکید دارد. از این منظر، احزاب و گروه‌های عراق نمی‌توانند به‌طور کامل سیاست خارجی خود را مستقل از شرایط اقتصادی و روابط منطقه‌ای تنظیم کنند. روابط تجاری، انرژی، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های مرزی با ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین رفتار سیاسی این گروه‌ها دارد (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۲). حتی گروه‌های سنی و کردی، که از لحاظ ایدئولوژیک با ایران اختلاف دارند، به دلیل وابستگی اقتصادی و نیاز به همکاری امنیتی، گاهی مواضعی همسو اتخاذ می‌کنند. این نظریه نشان می‌دهد که اشتراکات و اختلافات احزاب عراقی در قبال ایران تنها تابع سیاست و هویت نیست، بلکه ترکیبی از فشارهای اقتصادی، نیاز به امنیت و شرایط منطقه‌ای است که رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۰). در نتیجه، تحلیل سیاست خارجی عراق بدون در نظر گرفتن این روابط اقتصادی و وابستگی‌های متقابل ناقص خواهد بود.

تلفیق نظریه‌ها در تحلیل احزاب عراقی، برای تحلیل کامل وجوه اشتراک و اختلاف احزاب عراق در قبال ایران، تلفیق نظریه‌های واقع‌گرایی، سازه‌نگاری و وابستگی متقابل ضروری است. واقع‌گرایی کمک می‌کند تا محاسبات قدرت و منافع امنیتی احزاب درک شود، سازه‌نگاری بر نقش هویت مذهبی و قومی تأکید می‌کند، و نظریه وابستگی متقابل روابط اقتصادی و منطقه‌ای را توضیح می‌دهد. این تلفیق نظری نشان می‌دهد که رفتار سیاسی گروه‌ها نتیجه تعامل چندگانه میان هویت، منافع امنیتی و وابستگی‌های اقتصادی است (کامران طارمی، ۱۳۸۴: ۲۳). به عبارت دیگر،

هیچ عامل منفردی نمی‌تواند وجوه اختلاف و اشتراک را به‌طور کامل توضیح دهد، بلکه تحلیل جامع نیازمند نگاه چندبعدی است. این رویکرد تلفیقی، امکان مقایسه دقیق میان گروه‌ها و احزاب مختلف عراق و فهم علل اختلاف و همگرایی آن‌ها در قبال ایران را فراهم می‌آورد

ساختار قدرت عراق، به ویژه پس از سقوط رژیم بعث، تغییرات بنیادینی تجربه کرده است. حضور اکثریت شیعی و کردها در ساخت قدرت، افزایش نقش پارلمان و نهادهای محلی و ظهور احزاب تازه‌نفس، همگی رفتار سیاسی داخلی و خارجی این کشور را شکل می‌دهند. واقع‌گرایی نشان می‌دهد که گروه‌های شیعی و کردی با ایران همسو می‌شوند تا قدرت سیاسی خود را تقویت کنند، در حالی که سازه‌انگاری توضیح می‌دهد که اختلافات گروه‌های سنی ناشی از حس هویت و ترس از سلطه خارجی است (الخلیل، ۱۳۷۰: ۴۵). از سوی دیگر، نظریه وابستگی متقابل، تأثیر فشارهای اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای را بر تصمیمات این بازیگران نشان می‌دهد. در نتیجه، فهم چارچوب ساخت قدرت و نحوه توزیع قدرت میان گروه‌ها، کلید تحلیل رفتار سیاسی عراق در قبال ایران است.

جنبه امنیتی و ژئوپلیتیکی نیز یکی از ارکان اصلی تحلیل چارچوب نظری روابط ایران و عراق است. گروه‌های سیاسی عراق در محاسبات خود، همواره به تهدیدهای داخلی مانند داعش و اختلافات قومی و مذهبی و هم به تهدیدهای منطقه‌ای و نقش بازیگران خارجی توجه دارند. واقع‌گرایی نشان می‌دهد که گروه‌ها برای حفظ بقا و افزایش نفوذ خود، گاهی با ایران همسو می‌شوند و گاهی موضع انتقادی اتخاذ می‌کنند. این ابعاد امنیتی باعث می‌شود که اختلافات و اشتراکات احزاب عراق نه تنها نتیجه هویت و ایدئولوژی، بلکه بازتاب‌دهنده شرایط واقعی امنیتی و ژئوپلیتیکی باشد. سازه‌انگاری نیز نشان می‌دهد که گفتمان‌ها و روایت‌های سیاسی-مذهبی، رفتار احزاب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که هویت و تاریخ جمعی می‌تواند موجب نزدیکی یا دوری گروه‌ها از ایران شود.

تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، علاوه بر عوامل داخلی، روابط و مداخلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به اشتراک و اختلاف گروه‌های عراق دارد. گروه‌های سنی و کردی، برای حفظ موقعیت خود و ایجاد تعادل قدرت، به بازیگرانی مانند آمریکا و کشورهای عربی نزدیک می‌شوند، در حالی که گروه‌های شیعی اغلب روابط راهبردی با ایران را ترجیح می‌دهند (کامران طارمی، ۱۳۸۴: ۲۳). نظریه وابستگی متقابل توضیح می‌دهد که این

تعاملات منطقه‌ای، به‌ویژه وابستگی اقتصادی و امنیتی، موجب می‌شود که اختلاف و اشتراك احزاب عراق انعکاسی از شرایط گسترده‌تر منطقه‌ای باشد و تنها محدود به روابط مستقیم با ایران نیست. این امر اهمیت تلفیق تحلیل داخلی و منطقه‌ای در بررسی رفتار احزاب عراق را نشان می‌دهد (بهمنی، ۱۳۸۷: ۱۵).

مفهوم گروه‌ها و احزاب سیاسی، در مطالعات علوم سیاسی، مفهوم گروه‌ها و احزاب سیاسی به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی و تأثیرگذاری بر سیاست عمومی، فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها می‌توانند بر اساس هویت مذهبی، قومی، ایدئولوژیک یا اقتصادی شکل گرفته باشند و دارای ساختار داخلی منظم، برنامه‌های راهبردی و اهداف سیاسی مشخص باشند. در عراق، گروه‌ها و احزاب سیاسی شامل طیف گسترده‌ای از جریان‌های شیعی، سنی، کردی و اقلیت‌های دیگر است که هر کدام با توجه به ترکیب جمعیتی، تاریخ سیاسی و جایگاه قدرت خود، رویکردی متفاوت نسبت به ایران اتخاذ می‌کنند (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۲). این گروه‌ها نه تنها در تعیین سیاست داخلی و توزیع قدرت در بغداد مؤثرند، بلکه با توجه به سیاست خارجی عراق و روابط منطقه‌ای، نقش حیاتی در شکل‌دهی به مواضع کشورشان نسبت به همسایگان، به ویژه ایران، ایفا می‌کنند. بنابراین، تحلیل رفتار این گروه‌ها نیازمند درک ساختارهای داخلی، اهداف راهبردی و تعاملات آنها با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است (کامران طارمی، ۱۳۸۴: ۲۳).

مفهوم اشتراك و اختلاف در سیاست خارجی به بررسی میزان همسویی یا تضاد دیدگاه‌ها، اهداف و اقدامات بازیگران سیاسی نسبت به یک کشور یا مسئله خاص اشاره دارد. در زمینه روابط ایران و عراق، وجوه اشتراك می‌تواند شامل همکاری امنیتی، مقابله با تهدیدات مشترک، روابط اقتصادی و پیوندهای فرهنگی-مذهبی باشد، در حالی که وجوه اختلاف ممکن است ناشی از رقابت بر سر نفوذ سیاسی، اختلافات هویتی یا فشار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد (الخلیل، ۱۳۷۰: ۴۵). این مفاهیم در تحلیل رفتار گروه‌ها و احزاب عراقی اهمیت بسزایی دارند؛ زیرا نشان می‌دهند کدام گروه‌ها در راستای همگرایی با سیاست‌های ایران عمل می‌کنند و کدام گروه‌ها با احتیاط، مقاومت یا مخالفت عمل می‌نمایند. از این منظر، فهم دقیق این مفاهیم و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آنها، همچون هویت مذهبی، موقعیت قومی، محاسبات امنیتی و وابستگی اقتصادی، کلید تحلیل علمی روابط ایران و عراق و تدوین توصیه‌های سیاست خارجی است (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۰).

۳-۱. احزاب شیعی فعال در عراق

۳-۱ حزب جماعه العلماء

حزب جماعه العلماء یکی از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین احزاب شیعی در عراق است که در سال ۱۹۵۸ توسط گروهی از روحانیون برجسته مانند شیخ مرتضی آل یاسین، سید اسماعیل صدر، سید محمدباقر صدر، شیخ حسین همدانی، سید محمد جمال هاشمی، شیخ محمد طاهر آل شیخ، راضی و سید محمدتقی بحر العلوم تأسیس شد (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). هدف اولیه این تشکل، پل زدن بین آموزه‌های اسلام و اقشار مختلف مردم عراق بود و در راستای مقابله با فشارهای رژیم بعثی، رشد کمونیسم و گرایش‌های افراطی ناسیونالیستی شکل گرفت. فعالیت‌های اولیه جماعه العلماء عمدتاً فرهنگی و آموزشی بود و از جمله اقدامات آن‌ها انتشار نشریه «الاضواء» بود که نقش مهمی در معرفی شخصیت‌های علمی و کاریزماتیک شیعیان، به ویژه سید محمدباقر صدر، ایفا کرد (ان. ویلی، ۱۳۶۳: ۵۶). با گذر زمان و تحولات سیاسی عراق، این حزب در سال ۱۹۷۹ رسماً حمایت خود را از روش‌های خشونت‌آمیز اعلام کرد، اما رویکرد اصلی آن همچنان معطوف به مردم و فعالیت‌های سیاسی-فرهنگی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برخی رهبران جماعه العلماء به ایران مهاجرت کردند تا ضمن ارتباط و سازماندهی نیروهای اسلامی عراقی، آموزش و هدایت تشکل‌ها را بر عهده گیرند (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). در دهه ۱۳۶۰، حزب دچار انشعاب شد و به سه طیف مشخص تقسیم گردید: گروه اول با محوریت سید محمدباقر حکیم و سید حسن صدر، گروه دوم با گرایش‌های حزب الدعوه، و گروه سوم موسوم به شیرازی‌ها که بعدها در قالب «سازمان عمل اسلامی» فعال شدند. این انشعاب نشان‌دهنده اختلافات داخلی و تفاوت دیدگاه‌ها در مواجهه با ایران بود، به طوری که طیف همگرا با ایران، متکی بر نظریه ولایت فقیه، همواره نقش پررنگی در همسویی سیاست خارجی عراق با منافع جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد، در حالی که طیف مستقل‌تر گرایش‌های دموکراتیک و خودمختار بیشتری داشتند.

۳-۲ حزب الدعوه الاسلامیه

حزب الدعوه الاسلامیه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین احزاب شیعی عراق است که به عنوان نهادی‌ترین حزب جنبش اسلامی شناخته می‌شود (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). این حزب با الهام از ایده‌های اخوان المسلمین مصر، به ویژه حسن البنا، شکل گرفت و هدف آن دعوت مردم به باور و

عمل به آرمان‌های اسلام بود. رهبران حزب، به ویژه سید محمدباقر صدر، بر اصول رهبری شورایی تأکید داشتند؛ به این معنا که رهبر معنوی حزب باید در چارچوب شورای مرکزی عمل کند و هیچ‌گاه از آن فراتر نرود (الخلیل، ۱۳۷۰: ۳۷). این رویکرد باعث شد که از همان ابتدای فعالیت حزب، تعاملات آن با ایران تحت تأثیر نظریه ولایت فقیه قرار گیرد و موجب شکل‌گیری جناح‌های موافق و منتقد همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی شد. در نیمه اول دهه ۱۳۷۰، اختلافات داخلی حزب الدعوه شدت گرفت و منجر به ایجاد دو گروه عمده شد: گروهی که با ایران همسو بود و خواهان نزدیکی بیشتر با مجلس اعلاء و اتخاذ راهبردهای مبتنی بر ولایت فقیه بود و گروه دیگر که بیشتر بر استقلال سیاسی و رویکرد شورایی تأکید داشت و نسبت به ایران محتاط بود. این انشعاب نشان‌دهنده نقش پیچیده هویت مذهبی، رهیافت سیاسی و تعامل با ایران در شکل‌دهی به سیاست‌های داخلی و خارجی حزب الدعوه است. علاوه بر حزب الدعوه، سازمان عمل اسلامی نیز از اواخر دهه ۱۹۶۰ و همزمان با فشارهای رژیم بعث شکل گرفت و گرایش‌هایی مشابه، اما با تأکید بر مبارزات مسلحانه و سازماندهی منسجم‌تر داشت، که تجربیات و روش‌های آن بعدها تأثیر مستقیم بر گروه‌های شیعی تازه‌تأسیس عراق گذاشت (برنا بلداجی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

۴. احزاب سنی و کردی فعال در عراق و ائتلاف‌های پس از ۲۰۰۳

۴-۱ احزاب و گروه‌های سنی

حزب بعث عراق از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین احزاب سنی در تاریخ معاصر عراق به شمار می‌رود. این حزب در سال‌های پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و در اثر گسترش اندیشه‌های قوم‌گرایانه عربی و نفوذ ایدئولوژی‌های غربی در سرزمین‌های عربی شکل گرفت. بنیان‌گذاران آن، از جمله میشل عفلق، صلاح‌الدین بیطار و زکی ارسوزی، حزب بعث را با هدف ایجاد هویت ملی عرب و مبارزه با استعمار و سلطه خارجی تأسیس کردند (گلی‌زواره، ۱۳۹۳: ۵۴). حزب بعث عراق پس از کودتای ۱۹۶۸ توانست قدرت را در دست بگیرد و سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی و اتحاد ناسیونالیستی با اعراب در خارج را دنبال کند (الزبیدی، ۱۳۹۱: ۷۸). شیعیان عراق که پیش‌تر بیش از نیمی از کادرهای حزب را تشکیل می‌دادند، به مرور سهم اندکی در ساختار رهبری یافتند. سیاست‌های سرکوبگرانه حزب بعث و شخص صدام باعث شد تا روابط ایران و احزاب شیعی عراق تحت تأثیر مستقیم این حزب محدود و تنش‌آلود باقی بماند. پس از سقوط رژیم صدام، حزب بعث

با رهبران موقت و اعمال تغییرات در کادرها تلاش کرد هویت سیاسی خود را حفظ کند، اما هنوز در بسیاری موارد با ایران و جریان‌های شیعی همسو اختلافات دارد (الزبیدی، ۱۳۹۱: ۸۰).

۲-۴ احزاب و گروه‌های کردی

در میان احزاب کردی، حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مصطفی بارزانی و بعد از او مسعود بارزانی، نقش مهمی در تحولات سیاسی کردستان داشته است. این حزب در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد و به دنبال خودمختاری برای کردهای عراق بود. پس از کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ و بازگشت بارزانی به عراق، حزب دموکرات توانست در سال ۱۹۷۰ به توافقی با حکومت مرکزی برسد و خودمختاری محدودی کسب کند (هیرو، ۱۳۸۳: ۵۵). حزب دموکرات کردستان عراق با ایران در بسیاری موارد همکاری نزدیک داشته است، به ویژه در دوران مقاومت در برابر رژیم صدام و دوره عقب‌نشینی به خاک ایران پس از قرارداد الجزائر.

اتحادیه میهنی کردستان عراق که توسط جلال طالبانی در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد، در ابتدا تشکیلاتی مارکسیست-لنینیست بود، اما به تدریج به جریان ملی‌گرای کردی تبدیل شد. این حزب پس از جنگ‌های داخلی با حزب دموکرات کردستان، موقعیت خود را تثبیت کرد و روابط نزدیکی با ایران برقرار نمود، به گونه‌ای که بعد از سقوط رژیم بعث و حمله آمریکا به عراق، اتحادیه میهنی کردستان توانست در ساختار سیاسی عراق به عنوان بازیگری مؤثر حضور یابد (Cetinsaya, 2007, p. 183).

۳-۴ ائتلاف‌های پس از ۲۰۰۳

پس از سقوط صدام، صحنه سیاسی عراق شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های متعدد بود که تأثیر مستقیم بر روابط ایران و عراق داشتند. ائتلاف ملی عراق، که در انتخابات ۲۰۰۵ شکل گرفت، شامل گروه‌های شیعی مانند مجلس اعلای عراق، حزب فضیلت اسلامی و حزب اصلاح وطن بود و در ابتدا ریاست آن بر عهده ابراهیم جعفری بود. این ائتلاف با حمایت آیت‌الله سیستانی و مقتدا صدر همراه شد، اما در انتخابات ۲۰۰۹ اختلافات داخلی سبب شد تا نوری مالکی از این ائتلاف جدا شود و انسجام آن کاهش یابد. ائتلاف دولت قانون پس از جدایی از ائتلاف ملی عراق شکل گرفت و شامل احزاب شیعی مانند حزب الدعوة، جبهه مستقل سازمان بدر و اتحادیه اسلامی ترکمن‌های عراق بود. رهبری این ائتلاف بر عهده نوری مالکی است و تلاش شده است تا ترکیبی از اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان و اهل سنت نیز در آن حضور داشته باشند، هرچند تمرکز آن بر قدرت شیعیان است (رضایی، ۱۳۸۹: ۹). ائتلاف میهن عراق، با ریاست ایاد علاوی، تلاش

کرده است روند سیاسی جاری را تغییر دهد و فراکسیون بزرگی در پارلمان ایجاد کند. این ائتلاف به جز علاوی، شامل احزاب کوچک‌تر و برخی سران اهل سنت نیز می‌شود و از حمایت کشورهای عربی، غربی و برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای برخوردار است.

۵. تحلیل مقایسه‌ای وجوه اشتراک و اختلاف

در تحلیل مقایسه‌ای وجوه اشتراک و اختلاف میان گروه‌ها و احزاب عراقی، ابتدا باید به عوامل مؤثر در شکل‌گیری این وجوه توجه داشت. ایدئولوژی، قومیت، ملاحظات امنیتی و منافع اقتصادی، چهار عامل اصلی هستند که رفتار سیاسی و جهت‌گیری هر جریان را تعیین می‌کنند. از منظر ایدئولوژیک، گروه‌های شیعی تمایل دارند با ایران همکاری نزدیک داشته باشند زیرا اعتقاد مذهبی مشترک، پایه‌ای برای نزدیکی فکری و عملی فراهم می‌کند. این همگرایی مذهبی باعث می‌شود که سیاست‌های خارجی عراق تحت نفوذ احزاب شیعی، به سمت حفظ ثبات شیعی و حمایت از حامیان مذهبی ایران تمایل داشته باشد. در مقابل، گروه‌های سنی، گرایش کمتری به ایران دارند زیرا ایدئولوژی آنها بیشتر بر پایه ملی‌گرایی و استقلال سیاسی قرار دارد و برخی از آنها روابط گسترده‌ای با کشورهای عربی برقرار می‌کنند که می‌تواند محدودیت‌هایی بر نفوذ ایران ایجاد کند (درویشی و پرتو، ۱۳۹۰: ۳۳). از منظر قومیت، نقش آشکار است. احزاب کردی، با وجود اشتراک در برخی حوزه‌های اقتصادی و امنیتی با ایران، تمایل به استقلال و خودمختاری دارند و این موضوع موجب ایجاد محدودیت‌های استراتژیک در همکاری با ایران می‌شود. اختلافات قومیتی میان کردها و دیگر گروه‌های شیعی و سنی، همچنین تنوع در ترکیب جمعیتی مناطق مختلف عراق، بر سیاست خارجی عراق تأثیر می‌گذارد، زیرا دولت مرکزی باید در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای، تضادهای داخلی و رقابت‌های قومی را در نظر بگیرد. به این ترتیب، اختلافات قومی نه تنها فرصت‌های همکاری با ایران را محدود می‌کند بلکه گاه می‌تواند سیاست‌های ایران در عراق را با چالش مواجه سازد (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸).

ملاحظات امنیتی، سومین عامل مؤثر در شکل‌دهی وجوه اشتراک و اختلاف هستند. گروه‌های شیعی و برخی جناح‌های کردی با ایران همکاری امنیتی دارند، به ویژه در مقابله با داعش و گروه‌های تروریستی که تهدیدی برای کل عراق محسوب می‌شوند. این همکاری‌ها باعث می‌شود که ایران بتواند نفوذ خود را در تصمیمات امنیتی بغداد افزایش دهد، اما گروه‌های سنی و برخی جناح‌های

کردی که به دنبال حمایت بین‌المللی از آمریکا یا کشورهای عربی هستند، گاهی در این همکاری‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. بنابراین، سیاست خارجی عراق تحت تأثیر ملاحظات امنیتی هر گروه و تعامل آنها با ایران و سایر قدرت‌ها شکل می‌گیرد (ماندانا تیشه‌یار و ظهیرنژاد، ۱۳۸۴: ۲۸).

از منظر منافع اقتصادی، احزاب و جریان‌های مختلف تلاش می‌کنند روابط خارجی عراق را به گونه‌ای تنظیم کنند که بیشترین بهره اقتصادی و سرمایه‌گذاری را برای مناطق تحت نفوذ خود به ارمغان آورد. برای مثال، احزاب شیعی با توجه به روابط تجاری و انرژی با ایران، از همکاری اقتصادی گسترده با تهران حمایت می‌کنند. این همکاری‌ها نه تنها منافع اقتصادی گروه‌ها را تأمین می‌کند بلکه باعث تقویت شبکه‌های نفوذ ایران در عراق می‌شود. در مقابل، گروه‌های سنی و کردی، به دلیل روابط با کشورهای عربی و ترکیه، در برخی پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، ملاحظات اقتصادی متفاوتی دارند که می‌تواند تعارض‌هایی با منافع ایران ایجاد کند.

در بررسی وجوه اشتراک و اختلاف، می‌توان گفت که گروه‌های شیعی بیشترین همگرایی را با ایران دارند. این همگرایی مذهبی و تاریخی باعث شده که جریان‌های شیعی، به ویژه ائتلاف فتح و دولت قانون، سیاست‌های خارجی عراق را در جهت تأمین منافع ایران در منطقه سوق دهند. این نزدیکی باعث می‌شود ایران بتواند در مسائل امنیتی و اقتصادی عراق اثرگذاری قابل توجهی داشته باشد و نقش مهمی در ثبات داخلی مناطق شیعی ایفا کند. از سوی دیگر، رقابت درون‌شیعی و اختلافات تاکتیکی میان جناح‌ها می‌تواند این همکاری را محدود یا پیچیده سازد. جریان‌های سنی، هرچند در زمینه مقابله با تروریسم با ایران مشترک منافع دارند، اما اختلافات جدی در زمینه نفوذ ایران، استقلال سیاسی و روابط با کشورهای عربی مشاهده می‌شود. این موضوع موجب می‌شود که سیاست خارجی عراق تحت تأثیر گروه‌های سنی، کمتر همسو با ایران باشد و نیازمند موازنه میان نفوذ ایران و حمایت کشورهای عربی باشد. بنابراین، هرگونه تلاش ایران برای افزایش نفوذ در مناطق سنی، باید با دقت و هماهنگی با احزاب سنی صورت گیرد تا تنش‌های داخلی و منطقه‌ای کاهش یابد. در حوزه کردی، روابط اقتصادی و امنیتی با ایران مهم‌ترین وجه اشتراک محسوب می‌شود. ایران با حمایت از احزاب کردی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی، نفوذ خود را تثبیت کرده است. با این حال، استقلال‌طلبی و روابط با آمریکا و ترکیه موجب شده که همکاری‌ها محدود و تاکتیکی باشد. این پیچیدگی باعث می‌شود سیاست خارجی عراق تحت تأثیر متغیرهای

متعدد داخلی و منطقه‌ای قرار گیرد و ایران نتواند همواره یک خط سیاستی یکپارچه در تعامل با کردها داشته باشد (Cetinsaya, 2007, p. 18).

تحلیل نقش ائتلاف‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف‌های شیعی مانند فتح و دولت قانون با حمایت ایران، توانسته‌اند در پارلمان عراق نفوذ قابل توجهی ایجاد کنند. این ائتلاف‌ها نه تنها سیاست‌های داخلی را شکل می‌دهند بلکه خط مشی سیاست خارجی عراق را نیز متأثر می‌کنند. به عنوان مثال، ائتلاف‌های شیعی با هماهنگی ایران، در مقابله با داعش و گروه‌های تروریستی نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند و همچنین در تقویت موقعیت ایران در عراق بعد از ۲۰۰۳ تأثیرگذار بوده‌اند. تضادها و اختلافات میان احزاب شیعی و سنی نیز اثر مستقیمی بر ثبات و فرصت‌سازی منطقه‌ای دارند. هنگامی که گروه‌های سنی نفوذ ایران را محدود می‌کنند یا روابط خود را با کشورهای عربی گسترش می‌دهند، امکان شکل‌گیری یک سیاست خارجی منسجم و هماهنگ برای عراق کاهش می‌یابد. این موضوع، ایران را به اتخاذ سیاست‌های تاکتیکی و منطقه‌ای مجبور می‌کند و فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی جدید ایجاد می‌کند. بنابراین، تضادها داخلی میان گروه‌های عراقی یکی از عوامل کلیدی در تعیین دامنه اثرگذاری ایران و فرصت‌های منطقه‌ای است.

یکی از پیامدهای مهم اختلاف و اشتراک احزاب بر سیاست خارجی عراق، نحوه تعامل این کشور با آمریکا و کشورهای منطقه است. جریان‌های سنی و کردی که به دنبال روابط بین‌المللی گسترده هستند، امکان همکاری ایران را محدود می‌کنند، در حالی که گروه‌های شیعی با ایران همکاری مستقیم دارند. این وضعیت موجب می‌شود عراق دارای سیاست خارجی چندقطبی باشد و ایران نیازمند مدیریت دقیق شبکه‌های نفوذ خود باشد تا ثبات داخلی و منافع منطقه‌ای خود را تضمین کند (Keskin, 2007, p. 54).

همگرایی و اختلافات میان گروه‌ها، همچنین در حوزه امنیت داخلی عراق اثرگذار است. ائتلاف‌های شیعی با ایران همکاری امنیتی دارند و جریان‌های سنی و کردی، در مواردی با آمریکا و کشورهای منطقه همکاری می‌کنند. این وضعیت باعث شده که سیاست خارجی عراق تحت تأثیر توازن قدرت داخلی باشد و ایران مجبور به اتخاذ سیاست‌های چندلایه برای مدیریت همکاری‌ها و کاهش تنش‌ها گردد. تحلیل فرصت‌سازی منطقه‌ای نشان می‌دهد که نزدیکی گروه‌های شیعی به ایران، امکان ایجاد ثبات در برخی مناطق عراق و تقویت منافع اقتصادی ایران را فراهم می‌کند. در مقابل، اختلافات با جریان‌های سنی و کردی، ایران را به اتخاذ سیاست‌های متنوع و گاه پیچیده در

تعامل با بغداد و اربیل مجبور می‌کند. این وضعیت، اثر مستقیم بر توان ایران در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و امنیتی دارد و نقش ایران را در تثبیت عراق پس از فروپاشی رژیم صدام پررنگ‌تر می‌کند. در سطح کلان، اختلاف و اشتراک گروه‌ها باعث می‌شود سیاست خارجی عراق از حالت یکنواخت خارج شود و به سمت سیاست چندقطبی و انعطاف‌پذیر حرکت کند. این امر ایران را وادار می‌کند تا با بهره‌گیری از ائتلاف‌های شیعی، روابط اقتصادی و امنیتی با کردها و تعامل تاکتیکی با سنی‌ها، یک توازن استراتژیک ایجاد کند تا ثبات داخلی و منطقه‌ای حفظ شود. پیامدهای این تحلیل برای ایران و امنیت منطقه‌ای قابل توجه است. ایران می‌تواند از طریق حمایت و هماهنگی با گروه‌های شیعی و جریان‌های نزدیک به خود، نفوذ و اثرگذاری در سیاست‌های داخلی و خارجی عراق را افزایش دهد. در عین حال، تنوع و اختلافات قومی و ایدئولوژیک در عراق، چالش‌هایی برای تحقق اهداف ایران ایجاد می‌کند که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، دیپلماسی فعال و مدیریت چندجانبه است.

نتیجه‌گیری

تحلیل مقایسه‌ای گروه‌ها و احزاب سیاسی عراق نشان می‌دهد که ساختار سیاسی پیچیده عراق و تنوع ایدئولوژیک، قومی و مذهبی گروه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی سیاست خارجی این کشور، به ویژه نسبت به ایران، ایفا می‌کند. گروه‌های شیعی، به ویژه جریان‌های نزدیک به ایران مانند ائتلاف فتح و دولت قانون، بیشترین همگرایی مذهبی، تاریخی و امنیتی با تهران دارند و از این جهت، ایران توانسته است از طریق این جریان‌ها نفوذ قابل توجهی در عرصه سیاسی و امنیتی عراق ایجاد کند. همزمان، اختلافات درون‌شیعی و رقابت‌های جناحی محدودیت‌هایی بر یکپارچگی سیاست خارجی عراق در تعامل با ایران ایجاد کرده است، به طوری که حتی جریان‌های همسو با ایران نیز در زمینه تصمیم‌گیری‌های کلان داخلی، مستقل عمل می‌کنند. در مقابل، احزاب سنی و برخی جریان‌های کردی، علی‌رغم وجوه اشتراک در برخی حوزه‌ها مانند مقابله با تروریسم و حفظ وحدت عراق، نگرانی‌های مشخصی نسبت به نفوذ ایران دارند و روابط گسترده‌ای با کشورهای عربی و ترکیه برقرار کرده‌اند. این گروه‌ها موجب می‌شوند که عراق در سیاست خارجی خود نسبت به ایران همواره تحت تأثیر ملاحظات داخلی و منطقه‌ای قرار گیرد و تهران نتواند به صورت کامل یک سیاست یکنواخت اعمال کند. از سوی دیگر،

احزاب کردی، به ویژه حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان، با وجود اشتراک در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی با ایران، همچنان استقلال‌طلبی و تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و ترکیه را دنبال می‌کنند، که این امر باعث پیچیدگی و چندلایه شدن روابط ایران و اقلیم کردستان می‌شود.

تحلیل ائتلاف‌ها نشان می‌دهد که این نهادهای سیاسی، هم نقش فرصت‌ساز و هم عامل محدودیت در تعاملات منطقه‌ای دارند. ائتلاف‌های شیعی، با حمایت ایران، در تثبیت امنیت داخلی و مشارکت فعال در سیاست خارجی عراق موثر بوده‌اند، اما تضادهای قومی و جناحی، به ویژه با جریان‌های سنی و کردی، موجب شده‌اند که سیاست خارجی عراق در تعامل با تهران همواره متأثر از موازنه قوا و شرایط داخلی باشد. پیامدهای این یافته‌ها برای ایران و امنیت منطقه‌ای قابل توجه است. ایران، با شناخت دقیق وجوه اشتراک و اختلاف میان گروه‌ها، توانسته از ظرفیت همگرایی شیعی برای تثبیت نفوذ سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود بهره‌برد. همزمان، اختلافات میان گروه‌ها به تهران انگیزه می‌دهد که از رویکردهای انعطاف‌پذیر و چندلایه استفاده کند، به گونه‌ای که نه تنها منافع خود را در عراق تضمین کند، بلکه زمینه ثبات نسبی در کشور عراق و فرصت‌سازی منطقه‌ای را نیز فراهم آورد. می‌توان گفت که روابط ایران و عراق، به ویژه پس از سقوط رژیم بعث، متأثر از ترکیب پیچیده عوامل ایدئولوژیک، قومی، امنیتی و اقتصادی است. ایران باید با مدیریت دقیق ائتلاف‌ها، تعامل تاکتیکی با گروه‌های سنی و همکاری محدود با احزاب کردی، به دنبال حفظ امنیت داخلی عراق و تأمین منافع راهبردی خود در منطقه باشد. تحلیل این روابط نشان می‌دهد که همگرایی و اختلافات داخلی عراق نه تنها بر سیاست خارجی این کشور تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدهای گسترده‌ای برای امنیت منطقه‌ای و ثبات بلندمدت خاورمیانه ایجاد کند.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، و طارمی، کامران (۱۳۸۴). نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۶). سیاست خارجی ایران در عراق جدید. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷). ایران، عراق جدید و نظام سیاسی-امنیتی خلیج فارس. تهران: انتشارات شادان.
- بهمنی، محمد (۱۳۸۷). شیعیان عراق از انزوا تا حاکمیت: مجموعه مقالات عراق نوین و تحولات خاورمیانه. تهران: موسسه اندیشه‌سازان نور.
- تیشه‌یار، ماندانا و ظهیرنژاد، مهناز (۱۳۸۴). سیاست خارجی عراق: بررسی نقش جغرافیای سیاسی عراق در روابط با همسایگان. تهران: انتشارات مولفین.
- جویش ویلی (۱۳۳۳). نهضت اسلامی شیعیان عراق. تهران: موسسه اطلاعات.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۲). شیعیان و آینده عراق. بولتن پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۴). امکان‌سنجی ائتلاف شیعیان و کردها در عراق پس از انتخابات ۳۰ ژانویه. گزارش پژوهشی شماره ۳.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۴). بررسی آرایش نیروهای سیاسی در عراق پس از برگزاری دومین انتخابات پارلمانی. بولتن پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حکیم، حسن (۱۳۸۱). وضعیت گروه‌های سیاسی عراق. گزارش‌های علوم سیاسی، ۵ (۱۸).
- الخلیل، سمیر (۱۳۷۰). جمهوری وحشت (ترجمه احمد تدین). تهران: نشر طرح نو.
- درویشی، فرهاد و پرتو، فتح‌الله (۱۳۹۰). عراق جدید و استراتژی سیاسی-امنیتی ایران. سایت ایران بازگو.
- رضایی حسن بهار (۱۳۸۹). عراق جدید: شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی. پژوهش‌های منطقه‌ای، ۱ (۳).
- الزبیدی، کاظم، نعم، حسین لطیف، العبادی، محمد عاطف، و لاضی السعدون، عاطف (۱۳۹۰). عراق در جستجوی آینده (ترجمه علی شمس). تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- زیباکلام، صادق و عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق. سیاست، ۳۹ (۴).
- سجادپور، کاظم (۱۳۹۲). نقش سازوکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی: مطالعه موردی عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر. ژئوپلیتیک، ۵ (۲).
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۹۳). سیاست حزب بعث ستیز همه‌جانبه بر ضد ارزش‌های دینی. مرکز تحقیقات اسلامی، مکتب اسلام، ۴۵ (۷).

مجموعه مقالات عراق نوین و تحولات خاورمیانه (۱۳۸۷). تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

هیرو (۱۳۸۳). کردستان عراق: از منطقه امن تا حکومت خودمختار. تهران: مرکز تحقیقات اسلامی.

هینوش، ریموند (۱۳۸۲). سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه (ترجمه علی گل محمدی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Aras, Bulent, & Biakarayad, Plot. (2009). Turkey & Middle East. Frontiers of the Neo Geographic Imagination, Australian Journal of International Relations, 67.

Cetinsaya, Gokhan. (2007). Iranian-Turkish Relations. Turkish Review of Middle East Studies, 26.

Keskin, Aref. (2008). Iran-Turkey Relations. Strategic Analysis, 9.